

۱۳۲۸

بازخوانی حشونت‌پذیری
زنان ایرانی

www

به نام خالق پیدا و پنهان
که پیدا و پنهان داند به یکسان

سرشناسه	فرهنگی، حسن، ۱۳۴۹ -
عنوان قراردادی	لمیدر، شرح
عنوان و نام پدیدآور	بازو، واسی خوشنوت‌پذیری زنان ایرانی؛ با تحلیل انسان‌شناختی رمان کلیدر / ویستا، حمید، فرهنگی
مشخصات نشر	تهران: تیس، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری	۲۵۵ص: ۱۴/۵
فروست	انتشارات تیس؛ ۳ - ره نشر ۲۳۱. کتاب انسان‌شناخت؛ ۱۵.
شابک	۲۰۹۰۰۰ ریال؛ ۹78-۶۰۲7683-۰4-5
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۲۵۶.
موضوع	دولت‌آبادی، محمود، ۱۳۱۹ - . کا، ها و تفسیر.
موضوع	داستان‌های فارسی - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد
موضوع	Persian Fiction - 20th Century - History and Criticism
موضوع	ادبیات فارسی - جنبه‌های اجتماعی.
موضوع	Persian Literature - Social Aspects
شناسه افزوده	دولت‌آبادی، محمود، ۱۳۱۹ - . کلیدر، شرح.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۶ ک ۸۰۸۷ و ۷ / ۸۰۴۷ PIR
رده‌بندی دیویی	۸۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۴۳۱۸۴۵۹

بازخوانی خشونت‌پذیری زنان ایرانی؛ با تألیف سنان شناختی رمان کلیدر

نویسنده: حسن فرهنگی

مدیر تولید: فاطمه شهبازی

چاپ یکم: بهار ۱۳۹۶

شماره نشر: ۲۲۱

ویراستار: طیبه حسین‌زاده

صفحه‌آرا: سپیده امری

لیتوگرافی: البرز نوین، چاپ: عطا، صحافی: ساغر مهر

ناظر فنی چاپ: امیر نبی‌زاده

تعداد: ۵۵۰ نسخه

قیمت: ۲۰۹۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۴-۵۴-۵

پیشگفتار.....	۱۳
مقدمه.....	۱۷
انواع نقد.....	۱۷
تفاوت «متن» و «اثر».....	۲۱
۱. میدان.....	۲۵
۲. سرمایه.....	۲۵
۳. تمایز.....	۲۶
۴. عادت‌واره یا هایتوس.....	۲۶
۵. خشونت نمادین.....	۲۷
انسان‌های «کلیدر» انسان‌پویای داستانی‌اند یا انسان‌های قصه؟.....	۲۸
دلیل اولویت بخشیدن به انسان‌شناسی مارکسیستی.....	۲۸
مطالعه اثر.....	۳۲

بخش اول: ریخت‌شناسی کلیدر رفتارشناسی شخصیت‌های قصه از منظر پراب - مقایسه

تطبیقی آن با کلیدر.....	۳۷
فصل یکم: خلاصهٔ رمان با پیش‌فرض‌های ولادیمیر پراب.....	۳۹
۱. یکی از اعضای خانواده از خانه دور می‌شود.....	۴۰
۲. چیزی برای قهرمان قصه قدغن می‌شود.....	۴۱
۳. ممنوعیت زیر پا گذاشته می‌شود.....	۴۲
۴. ضد قهرمان می‌کوشد خبر بگیرد.....	۴۴
۵. به ضد قهرمان اطلاعاتی دربارهٔ قهرمان داده می‌شود.....	۴۵

۶. ضد قهرمان می‌کوشد قربانی‌اش را فریب دهد و خود او یا اموال او را به دست آورد ۴۶
۷. قربانی فریب می‌خورد و ناخواسته به دشمن کمک می‌کند ۴۷
۸. ضد قهرمان به یکی از اعضای خانواده ضرر یا زیان می‌رساند ۴۷
۹. یکی از اعضای خانواده یا چیزی کم دارد یا خیلی دلش می‌خواهد چیزی را به دست بیاورد (نداشتن نامزد) ۴۹
۱۰. اعلام بدبختی یا کمبود، ابلاغ دستور یا خواهشی به قهرمان قصه. قهرمان قصه را به ناموریت می‌فرستد یا به او اجازه رفتن می‌دهند ۴۹
۱۱. قهرمان جست‌وجوگر دعوت یا دستور را قبول می‌کند یا تصمیم می‌گیرد که کاری نکند ۵۰
۱۲. قهرمان قصه از خانه‌اش می‌رود ۵۱
۱۳. قهرمان قصه مرد یا مایش، سؤال، حمله یا غیره قرار می‌گیرد و هدف از آن آماده‌شدن او برای دریافت وسیله‌ای سحرآمیز یا کمک دستیاری سحرآمیز است ۵۲
۱۴. قهرمان قصه در برابر او می‌کند و واکنش نشان می‌دهد ۵۳
۱۵. قهرمان قصه وسیله سحرآمیز را به دست می‌آورد ۵۳
۱۶. قهرمان قصه به محلی که جایگاه چیزی است که جست‌وجو می‌کند می‌رود یا برده می‌شود یا از این محل آگاهی می‌یابد ۵۴
۱۷. قهرمان و ضد قهرمان قصه با هم مبارزه می‌کنند ۵۴
۱۸. قهرمان قصه علامت‌گذاری می‌شود ۵۵
۱۹. ضد قهرمان شکست می‌خورد ۵۵
۲۰. شر یا کمبود اولیه رفع می‌شود ۵۵
۲۱. قهرمان باز می‌گردد ۵۶
۲۲. قهرمان قصه تعقیب می‌شود ۵۶
۲۳. قهرمان قصه از تعقیب جان درمی‌برد ۵۷

- بخش دوم: زن‌های رمان کلیدر ۵۹
- فصل دوم: معرفی زن بی‌باک و مغرور و دلاور ۶۳
- مارال نوع مثالی زن بی‌باک، مغرور، دلاور و خائن ۶۳
۱. مارال در معرض تجاوز ۶۴
- ۱-۱. زن به مثابه ابژه جنسی ۶۴
- ۱-۲. زن‌ها فاقد حریم خصوصی ۶۶
- ۱-۳. آرزوی تجاوز در سپهر اندیشه نویسنده ۶۹

۷۵	۲. خصلت های زن های اسطوره ای
۷۸	۳. لذت افزایی جنسی: ارزش و حره زنان ایرانی
۸۸	۴. کتمان نیازهای جنسی، امتیازی برای زن ایرانی
۸۸	مارال تمنای جنسی اش را کتمان می کند
۹۵	۵. ریشه فریب کاری و موزی گری زن های سستی
۹۵	مارال اسطوره وشی فریبکار
۹۶	۵-۱. خاستگاه و طبقه
۹۶	۵-۲. اعتقادات
۹۷	۵-۳. نقش آفرینی در امور سیاسی و اجتماعی
۹۸	۵-۴. محوریت اقتصاد
۱۱۰	۶. دروغ یا غلط خوانی زن های سستی
۱۱۲	۷. نقش سرمایه های مختلف در پیروزی
۱۱۲	سرمایه مارال چیست؟
۱۱۷	۸. پیروزی مارال بر پسران
۱۲۰	۹. مردخواهی زن در رابطه مناقض تمای جذب و دفع
۱۲۰	چهارمین ابزار مارال و رزده توزه ممنوعه زن ها
۱۲۳	۱۰. تغییر اساسی زن ها بعد از ازدواج
۱۲۳	مارال به زنی آرام و متین و محال می شود
۱۲۷	فصل سوم: معرفی زن ظلم پذیر و همواره محکوم
۱۳۳	فصل چهارم: زن های نازا فاقد هرگونه حقوق انسانی
۱۳۳	زیور کم بهاترین عضو خانواده
۱۴۳	کارکرد تحقیر در تغییر شخصیت انسانی زن ها
۱۴۳	زیور از همه نفرت به دل می گیرد
۱۷۹	فصل پنجم: بی سرانجامی دختران فراری
۱۷۹	«شیر» و «صوقی» دختران فراری کلیدر
۱۹۹	تغییر زندگی انسان های تحقیر شده
۲۱۱	ترس عامل حقارت
۲۱۳	فصل ششم: تصاحب دختران زیبا توسط مردان صاحب قدرت
۲۱۴	۱. طمع ورزی مردان به زن های تنها
۲۱۶	۲. خشم زن ها و دختران جوان بر زن های بی پناه
۲۳۱	فصل هفتم: پریشانی زن های بی سرپرست
۲۳۱	صوقی زنی تنها و بی سرپرست

فصل هشتم: تلاش پیرزن‌ها برای حفظ حرمت خویش.....	۲۴۱
بلفیس نمونه مثالی پیرزن‌هایی که در خانواده جایگاه دارند.....	۲۴۱
۱. مسئولیت تدبیر منزل با پیرزن‌ها است.....	۲۴۲
۲. مشروعیت پیرزنان از طریق کار.....	۲۴۳
۳. پیرزن‌ها حامیان قدرت و ابزار دست مردانند.....	۲۴۴
فرجام.....	۲۴۷
فاصله‌گذاری بین زن و مرد در فرهنگ مذکر.....	۲۴۷
.....	۲۵۵

پیشگفتار

اگر از پی - لیت، آمار ادبی پژوهشی صورت نگیرد و ریشه‌ها و دلایل به وجود آمدن آن‌ها را بیابیم، نمی‌توانیم با استفاده از پرده‌داری و روشنگری پنهان و آشکار در آثار ادبی، وضعیت جامعه را اصلاح کنیم. آثار ادبی، چه آن‌هایی که به شکل واقع‌گرایانه، پستی‌ها و پلشتی‌ها را نشان می‌دهند و چه آن‌هایی که به گونه سمبلیک اشاراتی بر الابل انحطاط فرهنگ هر ملتی دارند، نور بر تاریکی می‌تابانند. از این طریق آن می‌تواند قامت خود را تمام‌قد در آینه واژگان ببیند و کژتابی و ناراستی اندامش را چاه سازد؛ از این روی در جوامع غربی محققان بر بسیاری از آثار ادبی جستارهای متعدد و تحلیل‌های گوناگون می‌نویسند و بنای استواری را بر پایه شناختی که آن آثار به دست می‌دهند برمی‌افرازند و تمام سعی خود را معطوف به غلبه بر اشتباهات پیشینیان خود می‌کنند. با شناخت عمیقی که از رفتار آن‌ها به دست می‌آورند، نیکی و راستی‌شان را ارج می‌نهند. آن را اسلوبی برای رفتار حال و آینده خود می‌دانند و کجی و ناراستی‌شان را به تاریخ می‌سپارند تا به هنگامش درب آهنگین تاریخ را بازکشایند و با دیدن پیشینه‌ای که پر از اشتباه بود، به آینده‌ای بدون اشتباه بروند. در حقیقت در غرب آثار ادبی را همانند چراغ راه آینده قلمداد می‌کنند و با بررسی آن متوجه اشتباهات گذشته می‌شوند و با عبرت از آن آینده بهتری را ترسیم می‌کنند و می‌سازند. به همین دلیل متفکرانی چون

یاکوب بورکهارت^۱ شروع تاریخ بشری را به زمان آغاز خودشناسی انسان گره می‌زد؛ یعنی زمانی که انسان به گذشته خود نقادانه نگاه می‌کند «تاریخ» آغاز می‌شود. با استناد بدین سخن ملّتی که به گذشته خود آگاهانه و نقادانه نگاه نکند ملّت بی‌تاریخ قلمداد می‌شود و ملت بی‌تاریخ بی‌تمدن به نظر می‌آید؛ چراکه مدنیت انس دیرینه‌ای با تاریخ دارد. برای نجات از بی‌تاریخی باید آثار ادبی هر جامعه‌ای به صورت موشکافانه‌ای نقادی شود و این اتفاقی است که در جامعه ما کمتر رخ داده است.

در جوامع بسته هیچ‌وقت پژوهش جایگاه رفیع و ارجمندی نداشته و تشکلهای غیررسمی و دولتی اهمیت شناخت دنیای ادبیات را درک نکرده‌اند، مگر زمانی که ده‌ها سال خواسته‌اند از آن استفاده ابزاری کنند. برای نمونه تا دوره مشروطه ادبیات با موضوعی فردی و عرفانی می‌پرداخت و یا در منقبت پادشاهان و پاکان ایران تفسیر می‌شد و از پی‌اش هیچ تحلیلی صورت نمی‌گرفت. دقت و تعمق در هر اثر می‌توانست ما را با تاریخ گران‌سنگ خود آشنا کند و دلایل انحطاط فرهنگ ایرانی را نشان دهد، اما صد افسوس که آکادمیسین‌هایی که خود را ادبیات‌شناس قلمداد می‌کردند چنان در سطح ادبیات پیشین غرق مانده بودند و مانده‌اند که نتوانستند ریشه‌های آن را دریابند. تا به امروز ادبیات ایران در محاقی فرو رفته است که به نظر می‌رسد کسی را یارای آن نیست که آن را کناری بزند تا واقعیت‌ها را نشان دهد. اما از بی‌اشامیدی به اصلاح داشته باشیم. جستارگریزی از رفتار انسان قرن‌های پیشین موجب شده است که برخورد و «منش» یک انسان معاصر ایرانی با انسان که قرن‌ها پیش می‌زیسته چندان تفاوتی نکرده باشد و این هر دو همانند هم پندیشند و همانند هم سلوک اجتماعی داشته باشند! و همین جستارگریزی سبب «بی‌تاریخی» شده است. نقد و تحلیل و آموختن از پیشینیان و تاریخ‌مند کردن ملّت‌ها از فعالیت‌های عمده کشورهای رو به رشد است؛ در نظر اندیشمندان کشورهای یادشده، جزمیت و انعطاف‌ناپذیری نسبت به گذشته امکان هر رشدی

را از جوامع می‌ستانند و باعث عقب‌ماندگی آن جامعه می‌شود؛ از این روی جهان شاهد تحولات عظیمی در روند رو به رشد انسان‌شناسی است. سلوک هر جامعه‌ای به روش گذشتگان، عقب‌ماندگی آن را نشان می‌دهد.

به هر تقدیر اینک زمان آن رسیده که با پشت‌سر گذاشتن یک سده ادبیات داستانی یا به تعبیری خلق رمان، انسان ایرانی را در لابه‌لای آثار نویسندگان بیابیم و خصلت‌هایش را بشناسیم و اگر کژتابی در رفتار و سکناتش وجود دارد آسیب‌شناسانه با آن برخورد کنیم. ما در طول تاریخ، مردگانمان را بی‌اینکه دلیل مرگشان را بدانیم در گورهای عمیق دفن کرده‌ایم و هنوز هنوز با کوچک‌ترین میکروب از پای درمی‌آییم. برای همین در اینجا نیش گور عزیزانمان را نه تنها مکروه نمی‌دانم که برای ریشه‌کن کردن بیماری‌های روزافزون آن را لازم و واجب می‌دانم. کارکرد ادبیات داستانی همواره برای سرگرمی بوده و حتی ادبیات رئالیست سوسیالیستی که مدفی سیاسی را دنبال می‌کرده، تنها به دلیل کشمکش‌ها و تعلیق و جذب‌های داستانی در میان عوام جایگاهی برای خود یافته بود. حال اینکه ادبیات، به ویژه ادبیات داستانی، تغییر و تحول عظیمی در پی دارد و سرگرمی هدف غایی آن نیست. بی‌رسیدن به غایت ادبیات باید موشکافانه و محققانه در آن نظر بیندازیم و چنین مهمی را آغاز کنیم. از زوایای مختلفی می‌توان به ادبیات نظر کرد و به تحلیل و سنجش هدف این کتاب بر این است که در لابه‌لای متون، انسان ایرانی را بازشناسد. انسان‌شناسی هر چند که در دنیای پیشرفته سال‌هاست جایگاه مهمی برای خود کسب کرده و از مردم‌شناسی فاصله گرفته و در اعماق وجودی انسان به غور نهشته است؛ اما باید اذعان داشت که این علم حیاتی هنوز در کشورمان به اندازه‌ای که دارد شناخته‌شده نیست و تعداد کتاب‌هایی که در این باره نوشته شده حتی به تعداد انگشتان دست هم نیست. کتاب‌های تخصصی در حوزه انسان‌شناسی را باید محققان و صاحب‌فکران این رشته بنویسند، اما تحلیل رمان که در آن رگه‌های انسان‌شناختی در لابه‌لای داستان پنهان و آشکار است به تخصص داستان‌شناسی هم نیاز دارد. بدین سبب نویسندگان و محققان عرصه داستان باید به این عرصه توجه کنند که بتوانند از میان کرشمه‌های واژگان به کنه مطلب پی ببرند.

برای نخستین گام بررسی «متن» رمان «کلیدر» را در نظر گرفته‌ام. در این کتاب، متناسب با تعریف کتاب‌های آموزش داستان‌نویسی، شخصیت‌های بسیاری وجود دارند، اما متناسب با تعریف انسان‌شناسی، هیچ‌کدام نهایت به شخصیت‌شدگی سالم نمی‌رسند و در نیمه مسیر فرومی‌مانند. با بررسی وضعیت آن‌ها، با وضعیت بغرنج جامعه آشنا می‌شویم.

www.ketab.ir